

اورینٹل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

## دورنمای سیاسی و فرهنگی و ادبی ایران و شبه قاره در دوره امید قزلباش

ناعمه خورشید، پی ایچ ڈی  
پرفسور فارسی  
رئیس دانشکده دولتی اپو برای بانوان، لاہور

### **POLITICAL, CULTURAL AND LITERARY PERSPECTIVE OF IRAN AND THE SUBCONTINENT DURING THE PERIOD OF OMID QAZALBASH**

Naima Khurshid, PhD  
Professor of Persian  
Govt. Apwa College for Women, Lahore

#### **Abstract**

The Political, cultural and literary conditions of an era casts serious effects on the poets and writers of that era. Their writings breed according to the circumstances of that era. Therefore, in order to comprehend the philosophy of any poet one need to take into account of the political, cultural and literary conditions prevailing at that time. In this article the political, cultural and literary circumstances of the era of Mirza Muhammad Raza Umeed Qazalbash Hamadani har been discussed so that a complete picture of literary conditions of that era could be presented to readers.

#### **Keywords:**

Political Climat, Cultural Context, Literary landscape, Historical influence, Poetic philosophy.

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

میرزا محمد رضا همدانی متخلص به امید در همدان دیده به جهان گشود در آغاز شباب راه به اصفهان افتاد و نزد میرزا طاهر وحید که از بزرگان آن زمان بود تحصیلات خود را به پایان رساند و در سال ۱۰۲۰ هجری به شبه قاره پاک و هند آمد و مدتی در دکن و برهان بود و حیدرآباد در نزد امراء و بزرگان و نواب این کشور مقام و منزلت حاصل کرد. وی مردی خوش طبع و شاعری پرگو بود. در فن موسیقی نیز مهارت کامل داشت. بهادر شاه ظفر او را لقب "قزلباش" داد. مادر اینجا وضع سیاسی و فرهنگی و ادبی ایران و شبه قاره در عهد میرزا محمد رضا امید قزلباش همدانی را در نظر داریم.

### (الف) وضع سیاسی:

زمانی که محمد رضا امید در اصفهان زندگی می کرد، دوره حکومت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق / ۱۲۶۷-۱۲۹۳ م) بود. این پادشاه دل نرمی نداشت و با مرحمت نا آشنا بود. مردم را محکوم به مجازات سنگینی می کرد. اگرچه در زمان حکومت او نا امنیت رخ نداد ولی او جنگ آرائی را دوست نداشت. ولندیزیها بندر کشم را متسلط شدند. از بیکها خراسان را به غارت بردند ولی او علیه آنان هیچ اقدامی نکرد. در زمان حکومت او رواداری مذهبی برقرار بود. سفیران کشورهای دیگر رفت و آمد داشتند. در نتیجه کثرت مباشرت با زنان قوایش مضمحل شد و او در سال ۱۱۰۵ هجری فوت کرد. (۱)

محمد رضا امید چندی از زندگی خود را در دوره حکومت سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق / ۱۲۹۳-۱۷۲۲ م) نیز بسر برد. در زمان حکومت او ترکان حمله آور شده بحرین را در تصرف خود آوردند. محمود خان افشار نیروی عسکری را جمع آوری کرده به قندهار متسلط شد و بعد فرخ آباد جلفا را زیر تصرف آورد. در آخر اصفهان را مفتوح ساخت و سلطنت صفویه به پایان رسید. (۲) در نتیجه هرج و مرج حکومت و بهم خوردن احوال در اصفهان، امید اصفهان را ترک گفت و رهسپار هند شد.

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

### (ب) وضع فرهنگی:

در دوره حکومت صفویان دینداری و کیش دوستی فزونی گرفت. صفویان علماء و حکماء را بسیار گرامی داشتند. کتابها درباره "فقه جعفریه" تالیف شد. هنرهای معماری، تصویر کشی، نقاشی و خطاطی مورد تحسین و تقدیر قرار داده شد. ساختما نهایی با شکوه مثل مسجد لطف الله، چهار باغ بنا شد. آرامگاه های امامان و امام زادگان را با گنبد ها و مناره ها آراسته بنا های عالی ساختند. صنائع کاشی کاری، مینا کاری، نقاشی، قالی بافی و هنر های فلزی بسیار رواج پیدا کرد. (۳)

### (ج) وضع ادبی:

برای آشنایی بیشتر از وضع ادبی آن زمان باید از محیط ادبی دوره صفوی در ایران (۹۰۷-۱۱۳۵ هـ.ق) آگاه باشیم. این مبحث از چندین لحاظ دارای اهمیت است. ریشه علل مهاجرت ایرانیان به هند نیز از همین دوره سرچشمه می گیرد.

معمولاً گفته می شود که صفویان به شعر و ادب و به ویژه به شعر مدحی اعتنایی نداشتند، و چون پیرو مسلک تشیع بودند، تشیع را کیش رسمی کشور اعلام کردند و برای پیشرفت و استحکام آن بی نهایت کوشیدند. در نتیجه کتابهای دینی به حدّا اکثر تالیف شد. قصیده سرایی روبه ضعف نهاد و نوشتن مرثیه های شهیدان کربلا و مناقب آئمه اهل بیت رواج پیدا کرد، و این که شاهان صفوی از عهده سرپرستی شاعران به خوبی بر نیامدند. این درست است اما نه این که صد در صد درست باشد. می شود گفت که اعتنای صفویان به شاعران نسبت به پادشاهان پیشین کمتر بود. در کتابهای تاریخی و تذکره های آن دوران نشانه هایی از این اعتنا هر چند که موجود است ذکر برخی از آنها درین جایی مورد نخواهد بود. اینک متذکر بعضی از شواهد آن می شویم:

### شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ هـ.ق):

شاه اسماعیل اول خودش شاعری توانا بود دیوان شعرش در استانبول و باکو چاپ شده است. او شاعرانی امثال قاضی علایی کرهرودی (م ۱۲۹ هـ.)،

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء  
 عبدالله هاتفی، ریاضی زاوه ای (م ۱۲۹ هـ) و الف ابدال اصفهانی را مورد تقدیر و  
 حمایت قرار داد و صله های گرانی را به آنان بخشید (۴)  
**شاه طهماسب (۹۳۰-۹۹۲ هـ ق):**

شاه طهماسب، نیز ذوق شعری داشت و در بدیهه گوئی معروف بود.  
 شاعران عهد وی همه او را مدح گفته و فیض هابرده اند. عرفی کمانگر تبریزی  
 یک صدوسی قصیده در مدح وی گفته و صله های مکرر یافته است. (۵) میر  
 حضوری قمی از دربار شاه طهما سپ و ظیفه سالانه داشت. (۶) ضمیری  
 اصفهانی (۷) مایلی نیریزی (۸)، محتشم کاشانی (۹)، حرفی اصفهانی (۱۰) و  
 ابوالحماد اسکویی (۱۱) نیز از جوایز پادشاهی بهره ها بردند.  
**شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ هـ ق):**

هلاکی همدانی (۱۲) مورد التفات و صله های این بادشاه قرار گرفت:

**شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۰۹۹ هـ ق):**

شاه عباس اول در سال ۱۰۰۱ هـ ق تقی او حدی را به زر سنجید. بعدها این  
 سنت در دربار هند مرسوم شد. (۱۳) اقدسی مشهدی (۱۴) عتابی تکلو (۱۵) حکیم  
 شفائی (۱۶) شاه مراد خوانساری (۱۷) کوثری همدانی (۱۸) میرزا ملک مشرقی،  
 فصیحی انصاری (۱۹) میر عبدالبقای تفرشی، صدرالدین محمد بن شرف جهان  
 قزوینی و ناظم تبریزی (۲۰) نیز از شاه عباس اول سرپرستی و صله ها و مقرریها  
 دریافت کردند.

افزون بر آن، معصوم اصفهانی در زمان شاه صفی صفوی (۱۰۳۸-  
 ۱۰۵۲ هـ ق) (۲۱) تجلی اردکانی و صائب تبریزی در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-  
 ۱۰۷۷ هـ ق) (۲۲) مقیمای مقصود اصفهانی، سالک قزوینی و مقیم بخارانی در  
 دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ ق) (۲۳) و بدیع نصرآبادی در زمان شاه  
 سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۸ هـ ق) (۲۴) صله هایی یافتند.

با این همه می بینیم که صدها نفر از شاعران و نویسندگان و هنرمندان  
 ایران را ترک گفته به هند روی آوردند (۲۵) پروفیسور ادوارد براون نیز این موضوع  
 را مورد بحث قرار داده است (۲۶)

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

علل مهاجرت دانشمندان ایرانی به هند همه گونه بوده است از قبیل سخت گیریهای مذهبی صفویان، فتور ارباب مناصب، قتل عام شاهزادگانِ مریح شاعران، فتنه های پیاپی از بکان، لشکرکشی های رومیان، دعوت شاهان هند از شاعران، بازرگانی و تأمین معاش از راه های دیگر رنجشها و ناخرسندیهای شخصی، گریز از تهمتهای مذهبی و مسلکی، گرایشهای درویشی و قلندری، دیدار از آشنایان و بستگان ساکن در هند، سفارت، جهانگردی، عیاشی و خوش گزرائی- (۲۷)

### دورنمای سیاسی و فرهنگی و ادبی در عصر امید در شبه قاره (الف) وضع سیاسی:

قرلباش خان امید در سال ۱۱۱۹ هـ / ۱۷۰۷ م در شبه قاره پاکستان و هند رسید. این آخرین سال دوره حکومت اورنگزیب عالمگیر (م ۱۱۱۸ هـ) بود. پس از وفات او در میان پسران او برای تخت نشینی تصادم و خونریزی رخ داد. اعظم شاه در دکن از خود پادشاهی خود را اعلام کرد که رقیب سرسخت بود ولی در جنگ کشته شد. (۲۸)

معظم شاه به لقب شاه عالم بهادر شاه روز دوازدهم ژانویه ۱۷۰۸ م به تخت نشست. در دوره حکومت او راجپوتان سر به تمرد کشیدند و جو دهبیا را متسلط شدند. بعداً به توسط سفارتها قضیه به مصالحت انجامید. در پنجاب سیکها در رهنمائی بیراگی سر از طاعت پیچیدند و دست به غارت بردند و سرهند را به تصرف خود آوردند. بهادر شاه خود با لشکر برای توبیخ آمد و سرهند را باز به تصرف خود گرفت ولی سیکها بعد از مدتی سادهوره و مالوه گره را متسلط شدند. بهادر شاه در روز ۲۸ فوریه ۱۷۱۲ م فوت کرد.

بعد از وفات بهادر شاه پسران وی برای تخت حکومت باهم جنگیدند. عاقبت جهاندار شاه موفق شد و بر تخت نشست. فرخ سیر پسر عظیم الشان بن بهادر شاه بر جهاندار شاه تاخت آورد و جهاندار شاه را اسیر کرد و خود به روز ۱۱ ژانویه ۱۸۱۲ م بر تخت نشست. وی همه شاهزادگان را به قتل رساند که ممکن بود برای بدست آوردن حکومت دعوی کنند. در دوره حکومت او معارضه با را

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

جپوتان ادامه داشت۔ وی شورش جات‌ها (Jats) را که قبیلہ ای از ہندوان باغی بود، مطیع کرد۔ بامرہتہ ہا نیز آویزشہا در جریان ماند۔ از سادات بارہہ عبداللہ خان و حسین علی خان دو برادر در دربار شاہی فوق العادہ اثر و نفوذ داشتند۔ ایشان با اقوام خود در طرفداری فرخ سیر در جنگ تخت نشینی داد شجاعت دادند و او را برای حصول حکومت کمک کردند۔ بعضی از امرای دربار مانند میر جملہ و خان دوران با ایشان مخاصمت می ورزیدند۔ فرخ سیر می خواست این دو برادر (عبداللہ و حسین علی خان) را از ہم جدا کند۔ برای حصول این مقصود حسین علی خان را بہ صوبیداری دکن مأمور کرد و متصل بہ این دولت خان استاندارِ گجرات را بہ برہانپور انتقال داد تا جلو راہ حسین علی را بگیرد۔ این توطئہ چینی بر ملا شد و بر سادات بارہہ منکشف شد۔ فرخ سیر را کور کردہ بہ زندان افکندند و بروز ۲۹ آوریل ۱۷۲۹م بہ قتل رساندند۔

پس از فرخ سیر رفیع الدراجات بر تخت نشست۔ وی از بیست و چہار سال مبتلای سِل بود۔ در عہد حکومت او پرداخت جزیہ بر ہندوان الغاء شد۔ برفشار مرہتہ ہا پرداخت بخش چہارم از محاصل دکن را قبول کردند۔ رفیع الدراجات بہ علّت بیماری خود بہ حق رفیع الدولہ مستعفی شد۔ و در ژوئن ۱۱۳۱ھ/ ۱۷۱۹م فوت کرد۔ رفیع الدولہ فقط برای شانزدہ روز بر سر حکومت بود۔ بعد از مرگ رفیع الدولہ، محمد شاہ در سن ۱۷ سالگی بر تخت حکومت متمکن شد۔ در زمان حکومت او نظام الملک استاندار مالوانیز و ہای عسکری را جمع آوری کرد و در دکن مملکت جدید را تاسیس نمود۔ در دورہ او برای نابود ساختن سادات بارہہ اسباب چینی شد۔ حسین علی خان بہ توسط قاتل کرایہ ای بہ قتل رسید۔ عبداللہ خان برای انتقام گرفتن برادر مقتول خود با افواج شاہی مقابل شد و در جنگ اسیر شد و بر اثر زہر خورانی ہلاک شد۔ در زمان محمد شاہ باغی گری بندیلہ ہا (گروہی از رہزنان خطہ بندیل) از بین رفت۔ مرہتہ ہا بر مالوا متصرف شدند۔ ولی نظام الملک برای باز گرفتن آن تحویل خطہ ای میان رود خانہ ہای نربد او چنبل و پرداختن جریمہ ۵ ملیون روپیہ را قبول کرد۔

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء  
 در سال ۱۷۳۸-۱۷۳۷م نادرشاه قندهار، کابل و پشاور را متسلط شد. در سال  
 ۱۷۳۹م (۱۱۵۱-۱۱۵۲هـ) برهند تاخت آورد. بر پرداخت ۵ میلیون روپیه مصالحت را  
 قبول کرد ولی چون به دهلی وارد شد و در کشمکش در میان سپاهیان و مردم دهلی  
 یک نفر از سپاهیان او کشته شد، وی غضبناک شده حکم بر قتل مردم کرد و  
 سپاهیان دست به غارت مال و متاع مردم کشادند. عاقبت نادر شاه تخت  
 طاووس، الماس کوه نور، جواهر و اسپان و فیلان و اشتران و هزارها هنرپیشه را  
 گرفته دهلی را ترک گفت. در میان امرای ایرانی و ماوراء النهری رقابت‌های  
 سیاسی وجود داشت و میان اهل تشیع و اهل تسنن نیز اختلاف‌های دینی سربر  
 کشیده بود.

نظم و نسق کشور مستحکم نبود. تهاجم مرهته‌ها بر بنگال و بهار ادامه  
 داشت. بعضی از بخش‌های سنده در تصرف نادر شاه بود. در مارس ۱۷۲۸م  
 / ۱۱۲۱ق احمد شاه ابدالی نیز بر دهلی تاخت آورد و ضرری به مال و متاع دارا  
 لسلطنت رسید. محمدشاه در روز ۲۲ آوریل ۱۷۲۸م در نتیجه مرض استسقاء فوت  
 شد. (۲۹)

### (ب) وضع فرهنگی:

قرلباش خان امید از ۱۱۱۸ تا ۱۱۵۹ هـ یعنی تا سال وفاتش در هند بود و عروج  
 و زوال سلطنت خانواده تیموری را مشاهده کرد. در جنگ‌ها شرکت کرد و بهم  
 شکستن حکومت بادشاه و امیران را دید و ملاحظه کرد که در نتیجه رقابت‌های  
 سیاسی، کاخ حکومت مرکزی متزلزل شد. قتل و خون‌ریزی شایع بود. بادشاهان  
 برای استحکام سلطنت خود برادران و برادرزادگان را به قتل می‌رساندند. اگرچه  
 اورنگزیب عالمگیر یک حکومت محکم برای آیندگان گذاشت ولی جانشینان  
 وی به علت نا اهلی و خوش گذرانی این میراث بزرگ را از دست دادند و زوال و  
 انحطاط نصیب آن شد. در جامعه، ثروتمندان زندگی خوش گذرانی و مشروب  
 خواری را عادت کرده بودند. محافل رقص و سرود برپا می‌شد مردم در جشن‌های  
 بهاران و برشکال شرکت می‌کردند. مردان و زنان طبقه متوسط به زیارت قبور  
 اولیاء می‌رفتند و هدیه‌ها تقدیم می‌کردند. پادشاه و أمراء شکار دوست بودند.

### (ج) وضع ادبی هند در زمان امید:

محمد رضا قزلباش خان امید همدانی در دوره تیموریان متأخر (قرن دوازدهم هجری) به شبه قاره رفت و فعالیت های ادبی خود را در آنجا ادامه داد. در این جا آگاهی از پیشینه شیوه سخنگویی در هند لازم است. بنابراین ذکر مختصری از وضع شعرگویی در هند در قرن دوازدهم هجری آورده می شود:

وضع ادبی در دوره تیموریان متأخر ادامه سنت ادبی زمان تیموریان بزرگ بود. دوره تیموریان هند از نظر گسترش زبان و ادب فارسی شکوفاترین دوره در تاریخ شبه قاره به شمار می آید. این پادشاهان بزرگ بزرگترین مشوق ادب و شعر فارسی در این سامان بوده اند. اینها نه تنها خودشان شاعر و نویسنده بودند بلکه دانش دوستی آنان و سرپرستی و تشویق آنها از شاعران و ادیبان و هنر مندان هند را کانون بزرگ فعالیت های ادبی فارسی ساخته بود. اینها مجالس شعر و سخن برپا می کردند و شاعران را به زرم می سنجیدند و آوازه داد و دهش آنان مهمترین عامل جذب استعداد های شاعران، کشورهای دیگری شد.

آماری از استاد گلچین معانی گویای این واقعیت است که رجال ایرانی به هند رفتند و به وصول مقصود رسیدند. طبق پژوهش گلچین معانی ۹ نفر از هنر مندان ایرانی در دوره بآبری، ۳۳ در زمان همایون، ۲۵۹ در دوره اکبری، ۱۷۳ در عصر جهانگیری، ۱۱۳ در زمان شاهجهان، ۲۲ در عهد عالمگیر و در حدود ۱۰ در زمان پس از عالمگیر (۳۰) به هند رفتند. این مهاجرت هنر مندان را "مهاجرت زنجیره ای" نیز گفته اند. (۳۱) علل این مهاجرت های فردی و جمعی در صفحات پیشین ذکر شده است. (۳۲) و نیازی به تکرار آن نیست.

شاعران محلی هند حضور شاعران ایرانی را در مجالس خود با گرمی پذیرفتند و این همنشینی های شاعران ایرانی و هندی بر همه تأثیر مثبتی گذاشت بعدها تاریخ ادبی ما شاهد این جریان هم بوده که نزاع های ادبی بین ایرانیان و هندوستانیان شروع شد و شرح آن ما چراها بعنوان نهضت مهم نقد ادبی در شبه قاره بشمار است. (۳۳)

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء  
شرح این رویدادها ازین نظر هم خیلی جالب است که بیانگر تحولاتی  
است که در سطح زبان و بیان و سبک و هنر و اندیشه در شعر فارسی آن زمان رخ  
داده بود و در جای خود یکی از پُر مطلب ترین مباحث تقدادبی است.

سبک شعر فارسی در زمان امید به اصطلاح ادبی به نام سبک هندی  
معروف است. این که معمولاً فکرمی کنند که سبک هندی شیوه ای از سخن  
فارسی است که در هند آغاز شد و در آنجا شیوع یافت، درست نیست. در صورتی  
که این سبک در خود ایران آغاز گردید و سپس در شبه قاره به اوج اعتلای خود  
رسید. (۳۴)

نشانه های اولیه این طرز اندیشه در اشعار استادان پیشین از جمله  
خاقانی، نظامی، ظهیر فاریابی، انوری، کمال اسماعیل، امیر خسرو و حافظ دیده  
می شود. در قرن نهم و دهم هجری بابا فغانی شیرازی (م ۹۲۵ هـ ق) بنیانگر از این  
شیوه سخن شمرده می شود. و بهمین دلیل او را مجتهد فن تازه می گویند. بعدها  
این جنبش نوین در شعر فارسی توسط عرفی، نظیری، فیضی، صائب، طالب  
آملی، کلیم، منیر لاهوری، غنیمت کنجاهی، بیدل و غالب به شکوفایی کم  
نظیری رسید.

مهمترین ویژگیهای این سبک عبارت اند از خیالبافی، مضمون بندی  
استعارات مرکب، مجازهای بعید، تازه جویی و غرابت، شخصیت بخشیدن به  
اشیاء و ایده ها، تشبیه ها و تمثیل های عامیانه، لحن محاوره ای و بازیاب اوضاع  
اجتماعی و غیره. سیر تحول سبک هندی در طول سه قرن به پایان رسید و بابتی  
است شگفت آور در تاریخ شعر فارسی.

در دربار های فرخ سیر و محمد شاه جشنها گرفته می شد و شاعران در  
مراسم عروسی و ولادت و فتوحات و آئین بندی ها قصیده های تهینت تقدیم می  
کردند. دهلی مرکز علم و ادب بود. شعرا و علماء از ایران نیز می آمدند مثلاً علی  
حزین، واله داغستانی (۳۵) در دهلی ادباء و شعراء مثل سراج الدین علی خان آرزو  
شاگردان او موجود بودند. مجالس شعر خوانی برپا می شد و شاعران شعر خود را  
برای نقد حضار تقدیم می کردند. درین بزمهای شعر و ادب صنعت ایهام خیلی

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء  
 رواج پیدا کرد. مقبول و شاگردان او برای ترویج این صنعت شعر کوشا بودند. آرزو  
 کتابهای لغت را ترتیب و تدوین کرد و در فن شعر مهارت خود را نشان داد و بر شعر  
 شیخ علی حزین ایرادها گرفت. امید قزلباش خان برای نه ده سال در دهلی اقامت  
 داشت و درین محیط ادبی زندگی کرد.

\*\*\*\*\*

### حواله

- (1) Percy Sykes, *History of Persia*, (Macmillan & Co; New York, 1963, A.D), 213.
- (۲) برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:
- الف سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، (تهران: ۱۳۳۵ ش)
- ب ژنرال سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، مترجم: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، (تهران: ۱۳۳۳ ش)
- ج مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ایران، (لاهور: ۱۹۶۷ م)
- د عبدالحسین زرّین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، (تهران: ۱۳۷۱ ش)
- ه عبدالله رازی، تاریخ کامل ایران، (تهران: چاپخانه اقبال، سن)، ۸۲۳.
- (3) *History of Persia*, 199-207
- (۴) کاروان هند، احمد گلچین معانی، آستان قدس رضوی، (مشهد ۱۳۶۹ ش)، ۱/ هشت و نه
- (۵) امین احمد رازی، تذکرات هفت اقلیم، تصحیح، تعلیقات و حواشی، سید محمد طاهری وحسرت، (تهران: سروش، ۱۳۷۷ ش)، ۲۲۷.
- (۶) مکتب وقوع، احمد، معانی، (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۲۸ ش)، ۸۲.
- (۷) همان، ۳۰۰.
- (۸) غلام آزاد بلگرامی، خزانه عامره، (کانپور: مطبع منشی نولکشور، ۱۸۷۶ م)، ۴۰۷-۴۰۸-
- (۹) خزانه عامره، ۱۸۵-۱۸۶
- (۱۰) تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، به تصحیح رکن الدین همایون نقرخ، (تهران: علمی)، بی تا ۳۷۷
- (۱۱) عالم آرای عباسی، سکندر بیگ، ترکمان، چاپ ایرج افشار، (تهران: امیر کبیر چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش)، ۱۸۷.
- (۱۲) کاروان هند، ص پانزده
- (۱۳) تذکره میخانه، ملاً عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی، تصحیح و تنقیح و تکمیل تراجم به اهتمام احمد گلچین معانی، (تهران: اقبال، چاپ پنجم ۱۳۶۷ ش)، ۲۳۶ و ۲۳۹.

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

- (۱۴) همان، ۲۳۸
- (۱۵) محمد طاهر نصر آبادی، تذکرات نصر آبادی، (تهران: ۱۳۱۷ش)، ۲۱۲-۲۱۳.
- (۱۶) همان، ۳۱۸
- (۱۷) همان، ۲۷۸
- (۱۸) تذکرات میخانه، ۵۸۸
- (۱۹) عالم آرای عباسی، ۹۸۸
- (۲۰) احمد گلچین معانی، تاریخ تذکرات های فارسی، (تهران: ۱۳۲۳) ۱/۳۱۷، ۳۱۶، ۳۸۱.
- (۲۱) الف) تذکرات نصر آبادی، ۷۷ (ب) دانشمندان آذربایجان، ۳۳۷
- (۲۲) تذکرات نصر آبادی، ۱۰، ۹
- (۲۳) الف) همان، ۳۵۵، ۳۳۲ (ب) کاروان هند، ۱/۵۱۷
- (۲۴) خزانه عامره، ۱۵۰، ۳۶۸
- (۲۵) استاد احمد گلچین معانی در اثر زنده اش- کاروان هند- ترجمه هفت صد و چهل و پنج نفر را جمع آوری کرده است که از ایران به هند مهاجرت نمودند.
- (۲۶) تاریخ ادبیات ایران، ادوار دبراون، ترجمه رشید یاسمی، ج چهارم، ۳۵
- (۲۷) برای آگاهی بیشتری با علت های گوناگون مهاجرت دست جمعی ایرانیان رجوع شود به:
- الف- از صباتا نیما یحیی آریان پور، (تهران، ۱۳۵۵ش)، ۷/۱
- ب- دکتر رضا زاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، (تهران، ۱۳۲۲ش)، ۳۶۳
- ج- پان ریپکار، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه: عیسنی شهابی، (تهران: ۱۳۵۳ش)، ۲۶۶
- د- دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، (تهران: ۱۳۲۳ش)، ۱/۵، ۲۹۵
- ه- شمس لنگرودی، سبک هندی و کلیم کاشانی، (تهران: ۱۳۷۲ش)، ۶-۲۶
- و- دکتر ساجد الله تفهیمی، شعرای اصفهانی شبه قاره، (اسلام آباد: ۱۹۹۳م)، ۳-۲
- ز- دکتر عبدالحسین زرّین کوب، نقد ادبی، (تهران، ۱۳۶۱ش)، ۱/۲۵۳
- ح- M.Abdul Ghani, *A History of Persian Language & Literature*, (Lahore 1983), Vol.I, Introduction
- ط- E.G.Browne, *A Literary History of Persia*, (Cambridge: 1953), Vol.IV, 168
- (28) Majumdar, R.C. and others, *Advanced History of India*, (Lahore, 1992), 627-629
- (۲۹) برای اطلاعات بیشتر در باره ای این دوره رجوع شود به:
- 1- Dictionary of Indian History, S. Bhattacharya, New York, 1967.
- 2- The History of India, Elliot, Lahore, 1976.
- 3- The Mughal Emperors of the Hindustan, E.S., 1865.

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

4- The Golden Calm, M.M.Kaye, New York, 1980.

5- Studies in Mughal India, Sarkar, Jadunath, Calcutta, 1919.

6- History of Midaieval India, India, Ishwani Persad, Allahabad, Indian Press, 1952.

- (۳۰) کاروانِ هند، ج یک، ص شش
- (۳۱) مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، قرن هشتم تا هیجدهم میلادی، دکتر فرهنگ ارشاد، (تهران، ۱۳۶۵ ش)، ۱۰۲-۲۲۳ م
- (۳۲) مقدمه دیوان امید، بترتیب و تصحیح ناعمه خورشید، کلاسیک، ۲۰۰۹ م، ص ۷۲
- (۳۳) برای آگاهی دقیق از این گونه قضایای ادبی رجوع شود به:
- الف- اقبال و جهان فارسی، دکتر سید محمد اکرم اکرام، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۹۹۹
- ب- تنبیه الغافلین، تالیف سراج الدین علی خان آرزو، به کوشش سید محمد اکرم اکرام، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۳۰۱ هـ
- د- کارنامه و سراج منیر، دکتر سید اکرم اکرام، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد پاکستان، ۱۳۹۷ هـ
- و- شاعری در هجوم منتقدان،
- ه- داد سخن، سراج الدین علی خان آرزو، به تصحیح سید محمد اکرم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپنڈی، ۱۹۷۴ م
- ی- حزین لاهیجی، م سرشک، مشهد، ۱۳۴۲ ش
- (۳۴) برای آگاهی بیشتر رجوع شود به:
- الف- موج اجتماعی سبک هندی، فلاح، غلام فاروق مشهد، انتشارات ترانه، ۱۳۷۴ ش
- ب- زبان و ادب فارسی در هند، کیومرث امیری، تهران، ۱۳۷۴ ش
- ج- سبک شناسی شعر سیروس شمیسا، تهران، ۱۳۷۴ ش
- د- سبک هندی و کلیم کاشانی، شمس لنگرودی، تهران، ۱۳۷۲ ش
- و- شاعر آینه ها، کدکنی، محمد رضا شفیع، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۶ ش
- ه- شعر العجم فی الهند، شیخ اکرم الحق، ملتان، ۱۹۶۱ م
- ی- شعر فارسی از آغاز تا امروز، پروین شکبیا
- (۳۵) در عصر فرخ سیر ۱۱۲۴-۱۱۳۱ ق- بعضی از شعرای اصفهان نیز در هند وارد شدند مثلاً ملا افسر

اورینٹل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره: ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

## BIBLIOGRAPHY

- Abdul Husain Zarreen Koob, *Naqd-e Adabi*, (Tehran, 1361 SH)
- Abdul Hussain Zareen Koob, *Tārīkh-i Irān B'ad Az Islām*, (Tehran, 1371 SH)
- Abdullah Razi, *Tārīkh-i Kamel-i Irān*, (Tehran: Chapkhaneh Iqbal)
- Ahmad Golchin Ma'ani, *Kāravān-e Hind*, (Mashhad: Astan-e Qods Rizwi, 1369 SH).
- Ahmad Gulcheen, *Ma'ani*, Haman (Tehran: Iqbal, 1367 SH)
- Ahmad, *Ma'ani, Maktab-e- Woqu'*, (Tehran, Bunyad Farhang-e Iran, 1348 SH)
- Akram al-Haq, Sheikh, *Sher ul Ajam fil Hind*, (Multan, 1961).
- Amin Ahmad Razi, *Tazkerah-e Haft Aqlīm, Tas'hih, Ta'aliqat va Havashi*, Sayyed Mohammad Taheri va Hasrat, Tehran, Soroush, 1377 SH.
- Azad Belgrami, Ghulam Ali, *Khezanah Amereh*, (Kanpur, Matba' Munshi Nawal Kishore 1871 AD)
- E.G.Browne, *A Literary History of Persia*, (Cambridge, 1953).
- E.S, *The Mughal Emperors of the Hindustan*, (Lahore, 1865)
- Edward Browne, *Tarikh-e Adabiyat-e Iran*, (Tehran: Tarjomah Rasheed Yasami, 1342 SH)
- Elliot, *The History of India* (Lahore, 1976)
- Falah, Ghulam Farooq, *Mauj e ijtmāi e Sabk e Hindi*, (Mashhad, 1374 SH).
- Farhang Ershad, *Mohajerat-e Tarikhi-ye Iranian be Hind*, 8th to 18th centuries (Tehran, 1365 SH)
- *History of Midaieval India*, India, Ishwani Persad, (Allahabad, Indian Press, 1952).
- Jadunath, Sarkar, *Studies in Mughal India*, (Calcutta, 1919)
- Jan Rypka, *Tarikh-e Adabiyat-e Iran*, (Tehran: Tarjomeh Esmā'il Shihabi, 1354 SH)
- Kadkani Mohammad Reza Shafiei, *Shaer e Aene Ha*, (Tehran, 1366 SH).
- Khezaneh Amereh, pp. 185-186
- Kiumars Amiri, *Persian Language and Literature in India*, (Tehran, 1374 SH).
- M. Abdul Ghani, *A History of Persian Language & Literature* (Lahore, 1983)
- M.M.Kaye, *The Golden Calm*, (New York, 1980)
- Majumdar, R.C., *Advanced History of India*, (Lahore, 1992).

اورینٹل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۲، مسلسل شماره ۳۷۲، سال ۲۰۲۳ء

- Maqbol Baig Badakhshani, *Tarikh-e Iran*, (Lahore, 1967 AD)
- Muhammad Tahir Nasrabadi, *Tazkerah-ye Nasrabadi*, (Tehran, 1317 SH).
- Mulla Abdunnabi Fakhr-uz-Zamani Qazvini, *Tazkerah-ye Meykhaneh*, (Tehran: Iqbal, 1367 SH).
- Percy sykes, *History of Persia*, (New York: Macmillan & Co, 1963A.D)
- Raza Zadah Shafaq, *Tarikh-e Adabiyat-e Iran*, (Tehran, 1342 SH)
- S. Bhattacharya, *Dictionary of Indian History*, (New York, 1967)
- Saeed Nafisi, *Tarikh-e Ejtema'i va Siyasi Iran*, (Tehran, 1335 SH)
- Sam Mirza Safavi, *Tazkerah-ye Tohfah-ye Sami*, be Tas'hih Ruknoddin Humayou Nafarrukh, Tehran, Ilmi, n.d.
- Seraj-ud-Din Ali Khan Arzu, *Dad-e Sokhan*, (Ed.) Dr. Seyyed Mohammad Akram, (Rawalpindi, 1974).
- Seraj-ud-Din Ali Khan Arzu, *Tanbih ul-Ghafelin*, (Ed.) Dr. Seyyed Mohammad Akram Akram, (Lahore: University of the Punjab 1401 AH).
- Seyyed Mohammad Akram Ikram , *Iqbal wa jahan e Farsi*, (Lahore, 1999).
- Shams Langarudi, *Sabk e Hindi Wa Kalim Kashani*, (Tehran, 1372 SH).
- Sikandar Baig, *Alam Aray-e Abbasi, Turkaman*, (Tehran: Iraj Afshar, 1350 SH)
- Sir Percy Sykes, *Tarikh-e Iran*, General, Motarjem Sayyed Mohammad Taqi Fakhr Da'i Gilani, (Tehran, 1343 SH)
- Siros Shamisa, *Sabk Shanasi- e Sher*, (Tehran, 1374 SH).
- Umid Qizalbash, *Divan-e Umed*, (Ed.) Naima Khurshid, (Classic, 2009)
- Yahya Aryanpur, *Az Saba ta Nima*, (Tehran, 1355 SH)
- Zabihullah Safa, *Tarikh-e Adabiyat-e Iran*, (Tehran, 1363 SH)

